

پندنامه ی انوشیروان به هارون الرشید رضائی ابن رضائی

با بررسی ویژگی های دستور تاریخی و ماده های فعل و واژه سازی
معنی واژه ها و امثال و حکم و فهرست اعلام و اشخاص

به اهتمام و تصحیح
زهرا حسینی

سرشناسه	: رضايي کاشاني، قرن ۱۰ ق.
عنوان و نام پديدآور	: پند نامه انوشيروان به هارون الرشيد/ رضايي اين رضايي.. به اهتمام و تصحيح زهرا حسيني
مشخصات نشر	: کرج: جام گل، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهري	: ۱۶۹ ص. مصور، جدول
شابک	: ۴۸۰۰۰ ريال : ۹-۳۲۱-۸۲۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعيت فهرست نويسي	: فيبا
موضوع	: شعر فارسي -- قرن ۱۰ ق.
شناسه افزوده	: حسيني، زهرا، ۱۳۴۰-، مصحح
رده بندي کنگره	: ۱۳۸۹ ب/۵۹۵۴ PIR
رده بندي ديويي	: ۸۱/۴ فا
شماره کتابشناسي ملي	: ۲۰۷۷۷۰۱

نام کتاب : پند نامه انوشيروان به هارون الرشيد
 سراننده: رضايي اين رضايي به اهتمام و تصحيح زهرا حسيني
 ناشر : جام گل
 طراح جلد: مصطفی سروريان
 چاپ اول : تابستان ۱۳۸۹
 شمارگان : ۱۵۰۰
 ليتوگرافي: سايه
 چاپ : نگاران
 بها : ۸۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۰-۳-۲۱-۹

آدرس وب سايت : www.jamegol.com
 نشاني الكترونيكي: info@jamegol.com

نشاني : کرج، ۴۵ متري شهيد حميد شمس، خيابان اختر شرقي، پلاک ۴۶
 کد پستي : ۳۱۳۸۷۱۵۹۳۱ - تلفکس : ۴۶۰۹۷۱۷ - ۲۶۱

پیش گفتار

اگرچه مثنوی رضایی در مدح وزیر دانشمند شاه تهماسب صفوی سروده شده است، اما اصل داستان در مدح هارون الرشید مشهورترین خلیفه ی عباسی است که با چاشنی حماسه و اسطوره و قصه و پند و مَثَل، پیام عدل به او می دهد، اگر دریابد که در نمی یابد.

هارون در محفل خردمندان از شیوه ی شاهان پیشین ایران آگاه می شود؛ از انوشیروان عادل و قصر بی نظیر مداین، و این که او، با آن جلال و شکوه و عدل، از بیداد زمانه، در دخمه ای جای گرفته است.

خلیفه از مداین که در نزدیکی بغداد مقر حکومت خود است، دیدن می کند؛ در شگفت می ماند. می خواهد بعد از کاخ کسری نشان، دخمه ی او را نیز ببیند. هیچ یک از درباریان جای دخمه را نمی دانند؛ ولی موبدی را می شناسند که شاید او بداند. قاصدی در پی موبد فرستاده می شود. برخورد پیک خلیفه با موبد و همسرش، خود بهانه و قصه ای است تا حکمتی گشوده شود. موبد جای دخمه را نمی داند؛ ولی نشانی پدر خود را می دهد، شاید او بداند. راویان قصه ای دیگر از عدل انوشیروان روایت می کنند. خلیفه قاصدی در پی پدر موبد می فرستد. دگر بار، برخورد با موبد و همسر او به تصویر کشیده می شود. موبد دوم نیز جای دخمه را نمی داند؛ ولی می گوید، همه اطلاعات در این زمینه را پدرش می داند. نشانی پدر داده می شود. قاصد در پی موبد سوم راهی می شود و تصویری زیبا از تفاهم و عشق و علاقه ی موبد و همسرش ارائه می شود. موبد به دربار خلیفه هارون می آید.

در این بخش از داستان عمرها بی حساب می شود، موبد پدر بزرگ،

چهار صد سال دارد و راز جوان ماندن خود را (در پیش زمینه های برخورد موبدان با همسران ، خواننده را آماده ی پذیرفتن راز جوانی او می کند) می گشاید.

از عدل انوشیروان قصه ها می گوید و از این که در ایام او ، گرگ و میش ، کبک و باز در کنار هم بی دشمنی زندگی می کردند . خلیفه راز دخمه را می پرسد . اما موبد همچنان از توانایی های شگفت انگیز انوشیروان چه در خوراک و چه در جنگ قصه می گوید . جنگیدن انوشیروان در میدان جنگ با بهرام گور ، یک تسامح تاریخی در این منظومه است .

عدل انوشیروان سبب می شود که دست معجزنشانی از فراز آسمان او را از خطرها برهاند و همیشه اقبال با او یار باشد ، به گونه ای که گنج باد آورده نیز نصیب او می شود . از عجایب دوران انوشیروان قصه ها گفته می شود تا به دخمه و شگفتی های آن می رسند .

" دخمه درجایی صعب العبور قرار دارد ، به طوری که مردان فرهاد نشان می خواهد ، تا راه را هموارسازند . مستوفی گور انوشیروان را در "جبل الحمیر" می داند . " (تاریخ گزیده ، ص ۱۱۷)

هارون با پنج تن از خادمان خود راهی دخمه می شود . همراهان او چنین معرفی می شوند . نخست ، وزیر دبیر او "حسن" ، دوم "موبد حق پرست" ، سوم "خادم و مهتر او" ، و دو تن از ندیمانش به نام های "احمد بصری" و "عقیل" .

بنا به تاریخ هفده سال آغازین حکومت هارون ، یحیی برمکی به عنوان وزیر معرفی شده است و بعد از او هم فضل بن ربیع منصب وزارت را برعهده می گیرد. در این مورد می خوانیم :

"در قران وزیر به مقامی که هارون به عنوان یاور برای موسی داشت ، اطلاق گردیده است . پیش از خلافت هارون الرشید ، وزیر در دیوان مقام دبیر اول را داشته است و دادن عنوان وزیر به یحیی از آن جهت نبود که وی به منصب وزارت گماشته شده بود ، بلکه بیشتر بدان سبب بود که او و پسران و عموهایش با دست یافتن به بسیاری از مقامات در دولت عباسی ، چنان طرف توجه خلفا قرار گرفته بودند که نفوذشان در خلافت رشید سخت بالا گرفته بود."

(تاریخ ایران ؛ ج ۴ ، ص ۶۴)

"یحیی برمکی و دو پسرش هر سه به صورت "وزیر" یاد شده اند ، ولی در واقع یحیی این عنوان را داشته است . هارون که در رسیدن به خلافت ، و شاید محفوظ ماندن جانش ، به دبیر و مربی خویش یحیی پسر خالد بن برمک و امदार بود ، تدبیر امور کشور را به او سپرد و دوره ای آغاز شد که در تاریخ به نام دوران فرمانروایی برمکیان معروف شده است ؛ یحیی و دو پسرش مدت هفده سال صاحب قدرت بودند ، تا آن گاه که بی رحمانه و ناگهانی دچار بدبختی شدند و این حادثه ی ناگهانی چنان مایه ی شگفتی معاصران و وقایع نگاران شد که در آثار خود بیش از آن که به شرح مسائل اساسی آن زمان پردازند ، از جزئیات این داستان غم انگیز یاد کرده اند . هارون پس از برمکیان ، قدرت را به فضل بن ربیع حاجب منصور سپرد ، ولی اختیاراتی که او داشت بسیار کمتر از اختیارات برمکیان بود ."

هارون با هدایا و جامه های شاهانه ، به احترام انوشیروان ، از اسب به زیر آمده ، به عزم طواف دخمه ی او روان می شود . همراهان به جز مهتر او به دخمه می روند . بر در ورودی دخمه ، پیامی با خطی غریب نوشته شده است . با گفتن

"بسم الله، کلید گنج حکیم" در بسته ی دخمه باز می شود. بعد از آن دیدنی های دخمه به تصویر در می آید و نوشته های الواح سیمین و زرین خوانده می شود. هارون جامه ی شاهانه ی نَوی، به انوشیروان می پوشاند. در لوحی سیمین انوشیروان، آمدن خلیفه هارون را پیش گویی کرده است روز چهارشنبه دهم ماه اردیبهشت از شاهان شایسته تازی مشرف به دین "محمد" (ص) به طواف اومی آید. در لوحی دیگر جای گنج های نهانی را می نمایاند. وزیر در این اثنا پیشنهاد می کند، از جواهرات و گنجینه ی دخمه که کسی قدرش را نمی داند هراندازه که می تواند بردارند. هارون از این گفته به تنگ می آید و می گوید، چنین کاری شایسته ی دزدان بی سر و پاست، نه سلاطین باشکوه و جلال. خلیفه از مهتر خود نیز می خواهد به طواف شاه فرخنده برود. خادم چون چشمش به آن جلال و شکوه انوشیروان می افتد، انگشتی را از انگشت او بیرون می آورد. حتی چنین کاری را نیز انوشیروان در پیش بینی اش نوشته بود که در میان همراهان شاه، ناقصی وجود دارد. خلیفه از همراهان می پرسد که منظور از ناقص چیست، وزیر خردمند او می گوید، به جز خادم کس دیگری نمی شناسد. او را جستجو می کنند و انگشتی انوشیروان را می یابند و هارون خود می رود و انگشتی را با نهایت ادب باز می گرداند.

به دنبال گنج های نهانی انوشیروان می روند. در آنجا گنج ها و لوح هایی با پندهای نوشته بر روی آن ها را می یابند. همه ی پندها را موبد برای هارون می خواند. هارون تحت تأثیر پندها آن همه گنج و مال را فراموش می کند و دستور می دهد که آن پند ها را بر صفحات زر بنویسند. (احتمالاً به زبان زمان هارون) که تا روزگاران دراز باقی بماند.

سپس با آن همه گنج و ثروت به بغداد، محل خلافت خود، برمی گردد. به دلیل گفتارِ نابخردانه ی وزیر، درحمل لعل و جواهر دخمه، او را از چشم عنایت می افکند و نامش را از دفترِ شهنشاهی برمی اندازد. و خادم و مهترِ خود را نیز چنان تنبیه می کند، تا عبرتِ دیگران شود. موبد را با احترام و عزتِ راهی دیارِ خود می سازد. از آن پس با آن همه گنج و مال که سرچشمه ی آن انوشیروان بوده است، آسوده حال فرمانروایی می کند و این همه فیض به هارون به سبب عدل شاهی اش بوده است.

این منظومه سراسر نکات اخلاقی و آگاهی های اجتماعی است که ایرانیان از دیر باز به آن علاقه مند بوده اند و این که خلیفه ی عباسی سعی می کرد روش حکومت ایرانیان را الگو قرار دهد و خود را وارث قانونی شاهان مشهور ایرانی بداند و شکوه و جلال آنان را تکرار کند. مداحان خلیفه نیز می کوشیدند ضمائر قلبی او را به حق بنمایانند و او را بستانند و بگویند که همیشه حق با شاه یا خلیفه است و زیردستان خطا یا گناه مرتکب می شوند. البته تاریخ نشان داد که خلفای عباسی در تقلید از شاهان ایرانی مقلدان آگاهی نبودند و فقط به شکوه ظاهری سلطنت یا خلافت دلبسته بودند.

تصاویری که با خواندن این منظومه درذهن خواننده نقش می بندد، به سختی از ضمیر او پاک خواهد شد.

روش کار

این تصحیح شامل یک مقدمه و دو بخش است:

مقدمه، توضیحی کلی در باره ی شاعر و معدوح او، نام و اصالت کتاب، خصایص رسم الخطی کتاب، خصایص لغوی و دستوری و کتابشناسی و نسخه شناسی ارائه می دهد.

بخش نخست، متن تصحیح شده ی "پندنامه ی انوشیروان به هارون الرشید" از نسخه ی خطی رضایی ابن رضایی است و به طور کلی تصحیح بر اساس همین نسخه ی منحصر به فرد انجام شد.

بخش دوم، تعلیقات است که بررسی های انجام شده در نسخه را در برمی گیرد که خود شامل بخش های زیر است:

واژه نامه: بر اساس واژه نامه های معتبر "معین" و "دهخدا" ترتیب داده شد. تعداد کمی از معانی واژه ها نیز با توجه به معنی آن ها در متن، نظرمصحح است.

ماده های فعل: این بخش بر اساس کتاب "ماده های فعل فارسی دری" تألیف استاد دکتر محسن ابوالقاسمی تنظیم شده است. در این بخش سعی شد که دانشجویان به ساده ترین روش با ریشه های فعلی و مشتقات آن از دوره باستان تا فارسی دری آشنا شوند. نمونه هایی نیز از کتاب انتخاب شد.

در این بررسی کوتاه، به بیش از صد ریشه ی فعلی در زبان فارسی پرداخته شده است. در ادامه مجموعه ای نیز از فعل های مرکب کتاب با نظم الفبایی ترتیب داده شد.

ویژگی های دستوری: این بخش نیز بر اساس کتاب "دستور تاریخی زبان

فارسی "تالیف استاد دکتر محسن ابوالقاسمی است . هدف از این بررسی جلب توجه و دقت دانشجویان به مطالب دستوری است و این که به آسان ترین شیوه با ذکر مثال ، بسیاری از نکات دستور تاریخی را بیاموزند .

امثال و حکم : این بخش به بیش از صد مثل و حکمت آراسته شد . برخی نمونه ها و مشابهات مثلی حکیمان که در کتاب های دیگر و امثال و حکم موجود بود ، در کنار آن ها آورده شد .

اعلام و اشخاص : برای تنظیم این بخش از کتاب های تاریخی و جغرافیایی معتبری استفاده شد و حداقل اطلاعات لازم را در اختیار خوانندگان قرار می دهد .

بخش پایانی به کتاب نامه اختصاص دارد .

در پایان سخن باید اقرار کنم که در لحظه لحظه ی انجام این کار خدای را سپاس می گفتم و توفیق خدمت به فرهنگ و ادب کشورم را از ایزد یکتا می خواستم . می دانم که اگر لطف و محبت او نبود ، هیچ توفیقی برایم حاصل نمی شد .

در تصحیح این نسخه از راهنمایی های بی دریغ و صمیمانه ی استاد بزرگوار دکتر مهدی محقق برخوردار بودم . از خداوند توفیق و سلامت ایشان را خواستارم . در بخش ویژگی های دستور تاریخی از راهنمایی های استاد ارجمند دکتر محسن ابوالقاسمی برخوردار بودم ، تا همیشه از محضر ایشان خواهم آموخت . امیدوارم ایران عزیز ما هرگز از وجود چنین گهرهای ارزشمندی تهی نباشد .

زهرا حسینی

مرداد ۸۴

کرج

فهرست

پیش گفتار

مقدمه

۱.....	شرح حال شاعر
۴.....	ممدوح شاعر
۷.....	نام کتاب
۸.....	اصالت کتاب
۸.....	خصایص رسم الخطی کتاب
۱۱.....	خصایص لغوی کتاب
۱۲.....	خصایص دستوری کتاب
۱۳.....	کتاب شناسی و نسخه شناسی
۱۳.....	کوتاه نوشت ها
۱۴.....	راهنمای نشانه ها
۱۷-۱۶.....	عکس نسخه

بخش اول

۵۷-۱۸.....	متن اصلی
------------	----------

بخش دوم

۵۸.....	تعلیقات
۵۹.....	واژه نامه
۷۲.....	واژه سازی
۷۲.....	ساده
۷۳.....	مشتق
۷۷.....	مرکب
۸۰.....	عبارت

۸۱..... ماده های فعل

ویژگی های دستوری

۹۲..... فعل های مرکب به ترتیب فعلیاریها و شماره اییات

۹۵..... پیشوند های فعلی

۱۰۰..... ماضی پیایی

۱۰۰..... وجه تمنایی

۱۰۱..... وجه دعایی

۱۰۲..... کاربرد برخی از حروف اضافه

۱۰۵..... جمله

۱۰۶..... مطابقت فعل و فاعل و نهاد

۱۰۸..... جای فعل در جمله

۱۱۰..... امثال و حکم

اعلام و اشخاص

۱۳۳..... آصف

۱۳۳..... اسکندر

۱۳۴..... انوشیروان

۱۳۷..... بصره

۱۳۹..... بغداد

۱۴۰..... بوزر جمهر

۱۴۰..... بهرام گور

۱۴۳..... جبل

۱۴۳..... جمشید

۱۴۵..... خمه

۱۴۵.....	سبا.....
۱۴۶.....	سلیمان.....
۱۴۷.....	عیسی.....
۱۴۷.....	فرهاد.....
۱۴۷.....	گنجہ.....
۱۴۸.....	محمد(ص).....
۱۴۹.....	مداین.....
۱۵۰.....	نظامی.....
۱۵۱.....	هارون الرشید.....
۱۵۵.....	واسط.....

۱۵۲.....	فهرست اعلام و اشخاص.....
----------	--------------------------

پیوست

۱۵۸-۱۵۹.....	کتابنامه.....
--------------	---------------